

مسئله فلسطین و آموزه های قرآن

مسئله فلسطین و آموزه های قرآن

سید محمود نبویان

چکیده

بیت المقدس، قبله اول مسلمانان جهان و منتهای سیر شبانه پیامبر اسلام ۵ و نقطه شروع معراج ایشان است.^[۱] به همین جهت، دفاع از فلسطین، یک مسئله تاکتیکی و حتی یک مسئله سیاسی صرف نبوده بلکه یک مسئله اعتقادی است.

فلسطین مسئله اول جهان اسلام است، دنیای کفر و ظلم، با تمام قدرت خود در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به جنگ اسلام و مسلمانان آمده است و مستکبرین عالم، با مبارزه با فلسطین در صدد نابودی اسلام و مسلمانان هستند.

متاسفانه بسیاری از سران کشورهای اسلامی برخلاف خواسته ملت های خود و ملت های جهان اسلام، منافع دنیوی خود را نصب العین خود قرار داده و در صدد سازش با دشمنان مسلمانان یعنی اسرائیل و آمریکا هستند.

اما آنچه که می تواند مشکل فلسطین را حل کند، توجه به آموزه های قرآن کریم از سوی ملت های مسلمان است. عدم بذیرش ولایت کفار- یعنی آمریکا و اسرائیل-، دشمنی با آنها به عنوان دشمنان اسلام، صبر و مقاومت در مبارزه با اسرائیل، نهراسیدن از مکر و دشمنی آنها و اعتماد به نصرت الهی، نرمیش نشان ندادن در مقابل دشمن، دفاع از مردم مظلوم فلسطین و حفظ وحدت میان مسلمانان جهان، برخی از راه حل هایی است که قرآن کریم ارائه می کند. پیروی از آموزه های فوق موجب پیروزی مسلمانان و آزادی

کلید واژه ها

آموزه، ولایت، مقاومت، عدم نرمش و وحدت.

مقدمه

فلسطین مسأله اول جهان اسلام است، دنیای کفر و ظلم، با تمام قدرت خود در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به جنگ اسلام و مسلمانان آمده است و مستکبرین عالم، با مبارزه با فلسطین در صدد نابودی اسلام و مسلمانان هستند.

بیت المقدس، قبله اول مسلمانان جهان و منتهای سیر شبانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نعمته شروع مراجع ایشان است: «سُبْحَانَ رَبِّنَا الَّذِي أَنْشَأَنَا لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجَدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجَدِ الْأَكْوَصِ الَّذِي بَارَكَنَا حَوْلَهُ لِنَذْرِ يَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ». [۲] به همین جهت، دفاع از فلسطین، یک مسأله تاکتیکی نیست، حتی یک مسأله سیاسی صرف نبوده بلکه یک مسأله اعتقادی است.

متاسفانه، وضعیت جهان اسلام در دفاع از کیان اعتقادی خود، امید بخش نیست، دنیای کفر و استکبار و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل، در اهداف خود موفقیت هایی را به دست آورده اند. به ویژه سران منفعت طلب و هواپرست کشورهای اسلامی صرفاً به دنبال تامین منافع و ارضی خواسته های خود بوده و در مسیر تحقق اهداف سران کفار گام می زنند، به گونه ای که برخلاف سابق، به صورت علنی به دنبال ایجاد را بطه با اسرائیل -یعنی غاصبان سرزمین مسلمانان مظلوم و قاتلان آنها - هستند.

در این وضعیت، آنچه که نجات بخش مسلمانان است توجه و عمل به آموزه های قرآنی و قطع امید از سران کشورهای اسلامی است، یعنی مسلمانان در صورتی می توانند علیه کفار و مشرکین و در رأس آنها آمریکای جهانخوار و اسرائیل آدم کش پیروز شوند که به قرآن کریم مراجعه کرده و آموزه های آن را عملی سازند. با عمل به آموزه های قرآنی می توان فلسطین را نجات داد.

برخی از مهمترین آموزه های نجات بخش قرآنی و مورد نیاز امروز جهان اسلام به قرار زیر است:

قرآن کريم، با تاكيد بسيار، هرگونه پذيرش ولايت کفار از سوی مسلمانان را نهي کرده است. برای نمونه، به برخى از آيات قرآن کريم اشاره مىکنیم:

وَدُّوا لَّهُ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكْوِنُونَ سَوَاءٌ فَلَا تَتَّخِذُونَ
مِنْهُمْ أَوْ لِيَاءً . [3]

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْ لِيَاءً مِّنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ
يَفْعَلْ ذلِكَ فَتَأْيِسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ . [4]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُونَ عَدُوّي وَ عَدُوّكُمْ أَوْ لِيَاءَ
تَلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ
الرَّسُولَ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جَهَادًا
فِي سَبِيلِي وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَايِّ تُسْرِونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ أَرَأَيْتُمْ
بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَ مَا أَعْلَمْتُمْ وَ مَنْ يَفْعَلْ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ
السَّبِيلِ . [5]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُونَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوا وَ
لَعْنَاهُمْ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارُ أَوْ لِيَاءَ وَ اتَّخَذُوا
اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ . [6]

الف- معنای ولايت

ولايت به معنای مالکیت در تدبیر امور است، برای نمونه، ولی^۱ یک شخص، کسی است که مالک تدبیر امور و اموال او است، و در حالی که خود آنان مالک اموال خویشند، اما تدبیر امر اموالشان به دست ولی^۲ آنها است.

غیر از معنای فوق که معنای اصلی کلمه ولايت است، این کلمه به معنای حبّ، رهبری و نصرت نيز استعمال می شود. [7]

در آیات فوق، خدای سبحان ارتباط ولایت با کافران را ممنوع کرده است. ارتباط با کافران با برخی انگیزه‌ها، گناه کبیره و فسق بزرگ و گاه کفرآور است و کسی که با آنان چنین رابطه ولایی برقرار کند، همانند آنان گرفتار غضب الهی خواهد شد.

راز ممنوع بودن پذیرش ولایت کافران – که دوست دارند مؤمنان نیز کافر و همسان آنان شوند – تأثیر سوء این‌گونه روابط بر مؤمنان و پدیدآوردن زمینه انجراف آنان از معارف دینی است. در واقع، پیامد ولای کافران از دست دادن ایمان و رابطه با خداست.^[8]

به عبارت دیگر، اگر ما کفار را اولیاً خود بگیریم خواه ناخواه با آنان امتزاج روحی پیدا کرده و مستلزم آن است که تابع آنان شده و از اخلاق و سایر شؤون حیاتی آنان متاثر گردیم. وقتی یک فرد مؤمن نسبت به کفار ولایت داشته باشد، خود به خود خواص ایمان او و آثارش فاسد گشته، و به تدریج ایمانش تباہ می‌شود.^[9] مطابق آیات قرآن، داشتن «مودّت» به کافران نیز ممنوع است.

بنا براین، پذیرش ولایت کفار-چه اینکه ولایت به معنای محبت باشد، یا نصرت و یا قیادت و رهبری- مورد نهی خدای متعال است. براین اساس، مطابق آموزه‌های قرآن کریم، دوستی با آمریکا و اسرائیل، همکاری با آنها و پذیرش قیادت و رهبری آنها ممنوع است.

ب- هرکس به دنبال ولایت کفار باشد از خود کفار خواهد بود

در دیدگاه قرآن کریم، پذیرش ولایت کفار چنان مذموم است که موجب می‌شود مومن را تبدیل به کافر کند:

يَا أَيُّهُمَا إِلَّا ذِينَ آمَدُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى إِنَّهُمْ أَوْلَيَاءُ
بَعْضُهُمُ أَوْلَيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُمْ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ
لَا يَهُدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^[10].

ج- صفت منافقین، پذیرش ولایت کفار و کسب عزت از آنها است

در نظر قرآن کریم، در میان مسلمان، تنها منافقین هستند که به دنبال رابطه با کفار و پذیرش ولایت آنها هستند:

بَشَّرَ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّهُمْ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ إِلَّا ذِيَّنَ يَتَّخِذُونَ
الْكَافِرِينَ أَوْ لِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ يَبْتَدَأْغُونَ أَيْمُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ
الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا . [11]

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُوا إِلَّا
الصَّلَاةَ قَامُوا كُسَالٍ يُرَاوِفُونَ الذَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا مُذَبِّذُونَ
بَيْنَ ذلِكَ لَا إِلَهَ هُوَلَاءُ وَ لَا مَنْ يُضْلِلَ اللَّهُ فَلَانَ تَجِدُ لَهُ
سَبِيلًا - إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ أَلْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنَ تَجِدُ لَهُمْ
نَصِيرًا . [12]

د- بیماردلان به دنبال ولایت کفار بوده و مردم را از دشمن می ترسانند

قرآن کریم، کسانی را که به دنبال رابطه با کفار و پذیرش ولایت آنها هستند، «بیماردل» می نامد:

فَتَدَرَّى إِلَّا ذِيَّنَ فِي فُلُوكِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ زَحْشَى أَنْ
تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهَ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ
فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِيْمِينَ . [13]

۵- تهدید مومنین در صورت پذیرش ولایت کفار

به سبب نفرتی که خدای متعال از پذیرش ولایت کفار داشته و نیز به سبب ضررهای فراوان آن برای
مسلمین، خدای متعال در قرآن کریم، مسلمانان را نسبت به این امر تهدید می کند:

يَا أَيُّهَا إِلَّا ذِيَّنَ أَمَدُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْ لِيَاءَ مِنْ دُونِ
الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ مَا سُلِطْنَا مُبِينًا . [14]

تَرَى كَثِيرًا مَنْهُمْ يَتَوَلَّ وَنَّ إِلَّا ذِيَّنَ كَفَرُوا لَبَدِئْسَ ما قَدَّمَتْ
لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خالِدُونَ وَ لَوْ
كانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ مَا أُنزَلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ
أَوْ لِيَاءَ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مَنْهُمْ فاسِقُونَ . [15]

و- پذیرش ولايت کفار و اعتماد به آها ساختن خانه بر تارهای عنکبوت است

در مورد بي فائدہ بودن پذیرش ولايت کفار می فرماید:

- مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَذَابِ
اَتَّخَذَتْ بَيْتًا وَ اِنَّ اَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتٌ الْعَذَابُ
بَعْلَمُونَ . [16]

- قُلْ مَنْ رَبُ السَّمَاوَاتِ وَ اَلْأَرْضِ قُلْ اللَّهُمَّ قُلْ اَفَلَا تَرَى
دُونِهِ اَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لَا نَفْسٌ هِمْ نَفْعًا وَ لَا ضَرٌّ اَقْلِيلٌ هَلْ
اَلْعَمَى وَ الْبَصِيرُ اَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُماتُ وَ الدُّورُ اَمْ جَعَلْتُمْ
شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ اَلْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلْ اللَّهُمَّ خالقُ كُلِّ
شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْفَهِارُ . [17]

بنابراین، هرگونه رابطه با آمریکا و اسرائیل از نظر قرآن کریم ممنوع و موجب شکست مسلمانان خواهد بود.

ز- علت نهی از پذیرش ولايت کفار

قرآن کریم با بیان استدلال های گوناگون علت نهی از پذیرش ولايت کفار را بیان می کند:

1- دشمنی کفار با اصل اسلام بوده و آنها به دنبال نابودی اسلام هستند:

- ... وَ لَا يَرَالُونَ يُقَاتِلُونَ وَ زَكُومْ حَتَّى يَرُدُّ وَ كُومْ عَنْ دِينِكُومْ اِنَّ
اسْتَطَاعُوا . [18]

- وَ لَئِنْ تَرْضَى الْهُودُ وَ لَا الَّهُمَّ حَتَّى تَرْضَى تَرْضَى بَعْدَ
فُلْمَ اِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ اَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ
مَنْ اَلْعَلَمْ مَا لَكَ مَنْ اللَّهُمَّ مَنْ وَلَيْ وَ لَا نَصِيرِ . [19]

وَ مَا رَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. [20]

- 2- کفار هیچ گاه به دوستی و نیز عهدی که با شما بسته اند وفا نخواهند کرد:

كَيْفَ وَ إِنْ يَطْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةٌ
يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ تَأْتِيهِمْ قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فاسِقُونَ لَا يَرْقُبُونَ
فيَ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ. [21]

بنا براین، مومنین هیچگاه نباید به کفار خوشبین باشند، زیرا نه به دوستی آنها اعتقادی هست و نه به عهد و پیمان آنها. هرگاه بر مسلمانان غلبه کنند دوستی و عهد و پیمانی که با مسلمانان بسته اند را نقص خواهند کرد.

مطابق آیات قرآن کریم، هر گونه اظهار مودت، پذیرش همکاری و قیادت و نیز خوشبینی به آمریکا و اسرائیل و ایجاد رابطه با آنها به ضرر مسلمانان خواهد بود و تنها راه نجات اسلام و فلسطین، مبارزه با اسرائیل است.

به تعبیر زیبای امام خمینی ره: «روابط ما با امریکا روابط یک مظلوم با یک طالم است؛ روابط یک غارت شده با یک غارتگر است. [22]»

ایشان به ملت‌های مسلمان گوشزد می‌کند که برای مستقل شدن و آزاد زیستن باید رابطه خود را با آمریکا -که هرچه بدختی داریم از اوست- قطع کنند: «ملتهای شریف اسلامی ... برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع روابط با ابرقدرتها خصوصاً امریکا نمایند. من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطه ما با امثال امریکا، رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است. [23]»

(2) - دشمنی با اسرائیل و آمریکا

به تعبیر امام خمینی ره «آمریکا شیطان بزرگ [24] و دشمن شماره یک مسلمانان و مردم مستضعف جهان است.» [25]

همه می‌دانیم که اسرائیل غاصب نیز توسط مستکبرین عالم به ویژه آمریکای جهانخوار تاسیس شده و با

حمایت آنها جنایت های وسیع شر را انجام می دهد.

براین اساس، قرآن کریم می فرماید، کفار، دشمنان آشکار شما هستند، و چون ما نند شیطان، دشمن شما هستند، شما نیز مکلف هستید که با آنها دشمنی کنید:

إِنَّمَا الْكَافِرُونَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ . [26]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلِمُونَكُمْ خَبَالًا وَدُونُكُمْ قَدْ بَدَأْتُ إِلَيْهِمْ أَفْوَاهُهُمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَ لَكُمْ أَلْآيَاتِ إِنَّ كُنْدُتُمْ تَعْقِلُونَ . [27]

إِنَّمَا الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَإِذَا تَتَّخِذُوهُ عَدُوٌّ . [28]

(3) - صبر و مقاومت در مبارزه با اسرائیل

در دیدگاه قرآن کریم، تنها راه پیروزی بر دشمنان، صبر و مقاومت است:

إِنَّمَا تَمْسَسُكُمْ حَسَدًا تَسْفِهُمْ وَإِنَّمَا تُصْبِرُكُمْ سَيِّئَاتُهُمْ يَغْرِيُهُمْ بِهَا وَإِنَّمَا تَصْبِرُهُمْ وَتَتَّقُوا لَا يَأْخُذُهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّمَا اللَّهُ بِمَا يَعْلَمَ لَهُنَّ مُحِيطٌ . [29]

بَلَى إِنَّمَا تَصْبِرُهُمْ وَتَتَّقُوا لَا يَأْتِيُوكُمْ مَنْ فَوْرَهُمْ هُذَا يُمْدِدُهُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ . [30]

(4) - نهرا سیدن از مکر و دشمنی آنها و اعتماد به نصرت الهی

پشتونه مسلمانان خدای متعال است، موجودی که تمام موجودات جهان معلول او و عین ربط و نیاز به او هستند،

و او قادر بر همه چیز است، از این رو، مسلمانان در مبارزه با دشمنان اسلام و سران کفار -یعنی

آمریکا و اسرائیل. نباید هراسی به خود راه دهند:

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشُوْهُمْ
فَزَادَهُمْ إِيمانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَإِنَّهُمْ
مِنَ اللَّاهِ وَفَضْلِهِ لَمْ يَمْسِسْهُمْ سُوءٌ وَإِنَّهُمْ
فَضْلِلَ عَظِيمٌ . [31]

إِنَّ اللَّاهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّاهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ
خَوْءَانٍ كَفُورٍ أُذْنَ لِتَّدِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ طُلَمُوا وَإِنَّ اللَّاهَ عَلَيْهِ
نَصْرٌ هُمْ لَقَدِيرُ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍ إِلَّا أَنَّهُمْ
رَبُّنَّا اللَّاهُ وَلَوْلَا دَفْعَ اللَّاهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدْرَمَتْ صَوَامِعُ
وَبَيْعُ وَصَلَواتُ وَمَساجِدُ بِذِكْرِ فِيهَا اسْمُ اللَّاهِ كَثِيراً وَلَيَنْصُرَنَّ
اللَّاهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّاهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ . [32]

(5) - نرمش نشان ندادن در مقابل دشمن

مطابق آیات قرآن کریم، در مقابل اسرائیل و آمریکای جهانخوار نباید هیچ گونه تسامح و نرمش نشان داد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قاتِلُوا الَّذِينَ يَتُونُوكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ
لَبَّيْدُوا فِي كُمْ غَلْطَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّاهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ . [33]

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ بِيَدِهِ وَدُونُهِ فَيُدْهِنُونَ . [34]

(6) - وظیفه مسلمین جهان دفاع از مردم مظلوم فلسطین است

وظیفه هر مسلمان آن است که در راه مستضعفین عالم به ویژه مسلمانان مظلوم فلسطین با غاصبین اسرائیلی و آمریکایی مبارزه و جهاد کند:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي السَّبِيلِ اللَّاهُ وَالْمُسْتَصْدِعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ

الذِّي سَأَرَ وَ الْوَلِدَانِ إِلَّا ذَيْنَ يَأْتُونَ رَبَّنَا أَخْرَجْنَا مِنْهُ إِلَّا قَرْبَةً
الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَ لِيَّنَا وَ اجْعَلَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
زَمِيرًا . [35]

(7) - وحدت میان مسلمین

از لوازم مهم پیروزی مسلمین بر کفار، وحدت میان آنها است. ملتهای مسلمان، واجد توانائی های خدادادی فراوانی هستند که در صورت اتحاد، پیروزی بر کفار، آسان خواهد شد. به همین جهت، دشمنان اسلام، سعی در تفرقه میان مسلمانان داشته و متسافانه در هدفشنان نیز موفق بوده اند. قرآن کریم در آیات متعدد، مسلمانان را به وحدت دعوت می کند، از جمله:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَاتَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَإِنَّ فَبِيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَنَّصْبَحَتُمْ
بِنِعْمَاتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَيْهَا حُفْرَةٌ مِنَ النَّارِ فَأَنَّفَذَكُمْ مِنْهَا
كَذِلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ . [36]

در آیه فوق، اولا: مراد از حبل الله، قرآن و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دستورات ایشان است، ثانیا: تکلیف اطاعت و عمل به قرآن و سنت، یک تکلیف اجتماعی است نه فردی، ثالثا: علت دستور به وحدت و نهی از تفرقه آن است که در صورت عدم وحدت، دشمنی میان شما حاکم خواهد شد. [37]

در مقابل، عدم وحدت و ایجاد تفرقه میان مسلمین، در دیدگاه قرآن کریم، موجب نتایج سخت و ناگواری است که به برخی از آنها اشاره می شود:

1- قرآن کریم، امت اسلامی را تهدید کرده و با تاکید تمام می فرماید در صورتی که بر ایمان به خداوند و آموزه های اسلامی متحد نباشند گرفتار عذابهای گوناگون الهی خواهند شد. یکی از آن عذابهای سخت، تحقق تفرقه میان امت اسلامی و درگیری گروه های مسلمان با هم و جنگ و خونریزی میان آنها خواهد بود، وضعیتی که امروزه با پدید آمدن گروه های افراطی و تکفیری مانند داعش شاهد آن هستیم:

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَيْهِ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ
مِنْ تَحْتِهِ أَرْجُلَكُمْ أَوْ يَأْتِيَكُمْ شَيْئاً وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ازْظُرُرٍ

کَبِّهْ فَزُصَرِّفُ اًلَّا يَلَمْ لَعَلَّهُمْ يَغْفِرُونَ . [38]

تفسرین شیعه و سنی در تفسیر آیه فوق اتفاق نظر دارند که تفرقه میان امت اسلامی و جنگ و خونریزی بین مسلمین، عذابی است که خداوند بر جامعه اسلامی نازل می کند. از ابن عباس نیز نقل شده است که بعد از نزول این آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله نگران شده و از خدای متعال رفع عذابهای بیان شده در آیه را از خدای متعال درخواست کرده است، اما خدای متعال، ارسال عذاب از بالای سر و زیرپای مسلمانان را رفع، ولی عذاب تفرقه میان مسلمانان را از امت اسلامی برنداشته است. [39]

۲- تفرقه در دین و امت اسلامی، مستلزم اعراض پیامبر از تفرقه افکنان است، به عبارت دیگر، کسانی که سعی در تفرقه در میان مسلمانان دارند، این عده هیچ ارتباطی با اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نداشته و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با آنها نخواهد بود، تکلیف این عده با خدای متعال است:

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِيْنَهُمْ وَ كَانُوا شَيْعَةً لَسْتَ مِنْهُمْ فِي الْشَّيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَّا إِنَّ اللَّهَ ثُمَّ يُنَذِّبُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ . [40]

۳- ایجاد تفرقه میان امت اسلامی صفت مشرکان است. قرآن کریم تاکید می کند که دین اسلام، منطبق با فطرت بشر است، و در چنین دینی نباید تفرقه ایجاد کرد، از این رو، می فرماید مانند مشرکان نباشد که تفرقه ایجاد کرده و به گروه های مختلف منشعب شده اند:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلْمُلْكِ إِنَّ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ إِنَّمَا فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهِمْ هَا لَا تَبَدِّلْ دِيْلَكَ إِلَّا لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ مُنَبِّهِنَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِيْنَهُمْ وَ كَانُوا شَيْعَةً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَهُ يُهْمِمْ فَرِّهُونَ . [41]

با عنایت به اینکه در نگاه قرآنی، شرک بدترین گناه است و قابل مغفرت نیست: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرِكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» [42] خدای متعال در این آیات، پس از اینکه به فطری بودن دین اسلام اشاره می کند و از مردم، توبه و تقوا و برپایی نماز - به علت اینکه در میان اعمال، نماز مهمتر از همه بوده و عمود دین می باشد- را مطالبه می کند، در

مقابل نیز به گناه شرک که بدترین گناه است اشاره نموده و امر می کند که مانند مشرکین نباشد، و در توصیف اختصاصی ترین ویژگی مشرکین در دین می فرماید، که آنها تفرقه در دین ایجاد کرده و گروههای مختلف را پدید می آورند، به طوری که هر گروهی بدنیال آرای خود می باشد. [43]

نتیجه گیری

- 1- مسأله فلسطین و دفاع از آن یک مسأله اعتقادی است نه یک تاکتیک و یا یک مسأله صرفا سیاسی.
- 2- وظیفه همه مسلمانان، نجات فلسطین از اشغال کفار یعنی آمریکا و اسرائیل است.
- 3- راه نجات مردم مظلوم فلسطین، توجه و عمل به آموزه های قرآن کریم است.
- 4- مسلمانان جهان باید از هرگونه پذیرش ولایت-یعنی دوستی، همکاری و قیادت- کفار (آمریکا و اسرائیل) پرهیز کنند.
- 5- کفار و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل به دنبال نابودی اسلام هستند.
- 6- کفار هیچگاه به عهد و فرارداد خود وفا نمی کنند، و از این رو، به هیچ وجه نباید به آنها اعتماد کرد.
- 7- مسلمین جهان باید با آمریکا و اسرائیل اظهار دشمنی کنند، چون آنها شیطان و از کفار بوده و دشمن اسلام و مسلمین هستند.
- 8- در راه مبارزه با کفار باید صبر داشته و مقاومت کرد، تا به پیروزی رسید.
- 9- از دشمنی و مکر کفار نباید هراس داشت زیرا در صورت اخلاص و نصرت دین خداوند، نصرت الهی شامل مسلمانان خواهد شد.
- 10- برای نجات مردم فلسطین باید مبارزه کرد.

11- وحدت میان مسلمین، بزرگترین عامل پیروزی مسلمانان است، و تفرقه میان امت اسلامی، صفت مشرکان، موجب خروج از اسلام و غصب و عذاب الهی و جنگ و خونریزی میان مسلمانان خواهد شد.

به امید روزی که با وحدت و نیز اعتماد به خدای متعال، شاهد پیروزی مسلمانان بر آمریکای جهان خوار و نابودی اسرائیل غاصب و جنایتکار باشیم، و البته آن روز دور نیست: **اَ لَيْسَ الصَّبْحُ**
بِرَقَبَرِبِ. [44]

فهرست منابع

-1 قرآن کریم

2- الطباطبائی، سید محمدحسین، (1417ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ای مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

3- طباطبائی، سید محمدحسین، (1374)، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.

4- جوادی آملی، عبدالـ، (1378)، **تسنیم**، مرکز نشر اسراء، قم.

5- زمخشri، محمود، (1407ق)، : **الکشاف عن حقائق غواص تنزيل وعيون الاقاویل فی وجوه التاویل**، دارالكتاب العربي، بيروت.

6- فخررازی، محمدبن عمر، (1420ق)، **التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)**، دار احیاء التراث العربي، بيروت.

7- الموسوی الخمینی، سید روح الله، (1379)، **صحیفه امام**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، تهران.

[2] . اسراء/1: منزله و پاک است آن [خدا یعنی] که شبی بندۀ لاش [محمد^ص] را از مسجدالحرام به مسجد اقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد، تا [بخشنده‌های] از نشانه‌های [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست.

[3] . نساء/89: آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شده‌اند، شما هم کافر شوید، تا [در کفر و ضلالت] با هم برابر و یکسان باشید. بنابراین از آنان دوستانی انتخاب نکنید تا آنکه در راه خدا [برای پذیرش دین] هجرت کنند؛ پس اگر [از هجرت] روی برتا فتند [و به خیانت و جناحتشان بر ضد شما ادامه دادند] آنان را هر کجا یافتید بگیرید و بکشید، و از آنان یار و یاوری نگیرید.

[4] . آل عمران/28: مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند؛ و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه‌ای با خدا نیست،

[5] . ممتحنه/1: ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون می‌کنند، [پس آنان را دوستان خود مگیرید] اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده‌اید [چرا] مخفیانه به آنان بیام می‌دهید که دوستشان دارید؟ در حالی که من به آنچه پنهان می‌داشتید و آنچه آشکار کردید دانا ترم، و هر کس از شما با دشمنان من را بسطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است.

[6] . مائدہ/57: ای اهل ایمان! آنان را که دین شما را به مسخره گرفته‌اند، چه از اهل کتاب و چه از کافران، سرپرستان و دوستان خود مگیرید؛ و اگر مؤمن هستید از خدا پروا کنید.

[7] . طباطبائی، سید محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج 3، ص 236.

[8] . ر.ک: جوادی آملی، عبداله، (1378)، تسنیم، ج 13، ص 624-626؛ ج 21، ص 213.

[9] . ر.ک: طباطبائی، سید محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج 3، ص 237-239.

[10] . مائدۀ 51: ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]. و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمرة آنان است؛ بدتردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمکند.

[11] . نساء/139-138: منافقان را بشارت ده که عذابی دردنگ برای آنان است-همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود مگیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان مطلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست.

[12] . نساء/142-143 و 145: منافقان همواره با خدا نیرنگ مکنند، و حال آنکه خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است. و هنگامی که به نماز مدعا یستند، با کمال مدعا یستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری مکنند؛ و خدا را جز اندکی به یاد نمودآورند. منافقان میان کفر و ایمان متهدّر و سرگردانند، نه [با تمام وجود] با مؤمنانند و نا با کافران. و هر که را خدا [به کیفر اعمال رشتۀ] گمراه کند، هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت. بدتردید منافقان در پایین‌ترین طبقه از آتش‌هاند، و هرگز برای آنان یاوری نخواهی یافت.

[13] . مائدۀ 52: کسانی که در دل‌ها بیشان بیماری [دوروبیع] است، مدّبینی که در دوستی با یهود و نصاری شتاب مورزند و [بر پایه خیال باطلشان که مبادا اسلام و مسلمانان تکیه‌گاه استواری نباشد] مدّگویند: مدّترسیم آسیب و گزند ناگواری به ما برسد [به این سبب باید برای دوستی به سوی یهود و نصاری بستا بیم]. امید است خدا از سوی خود پیروزی یا واقعیت دیگری [به نفع مسلمانان] پیش آرد تا این بیماردلان بر آنجه در دل‌ها بیشان پنهان مداشتنند، پشیمان شوند.

[14] . نساء/144: ای اهل ایمان! کافران را به جای مؤمنان، سرپرست و یار خود مگیرید. آیا مدّخواهید برای خدا بر ضد خودتان دلیلی آشکار [نسبت به عذابتان در دنیا و آخرت] قرار دهید؟!

[15] . مائدۀ 81-80: بسیاری از آنان را مدّبینی که با کسانی که کفر ورزیدند، همواره دوستی مکنند. قطعاً بد است آنجه نفوس [طفیان گرشان برای قیامت] آنان پیش فرستاده است؛ [و نتیجه آن این است] که خدا بر آنان خشم گرفت و در عذاب جاودانه‌ها نداند. اگر به خدا و پیامبر و آنجه بر او

نازل شده ایمان مدرآوردند، [از برکت آن ایمان] کفّار و مشرکان را سربرست و دوست خود نمی‌گرفتند؛ ولی بسیاری از آنان فاسقاند.

[16]. عنکبوت 41: داستان کسانی که به جای خدا سرپرستانی گرفته‌اند، مانند داستان عنکبوت است که خانه‌ای [بد‌دیوار، بد‌سقف و بد‌حفظاط] برای خود بنا کرده باشد، و بدتردید سنتترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بته‌ها را سرپرستان خود نمی‌گرفتند.]

[17]. رعد 16: [به مشرکان] بگو: پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ [خود بدرنگ] بگو: خدای یکتاست. بگو: آیا سرپرستان و معبدانی به جای او انتخاب کردند؟ بگو: اختیار هیچ سود و زیانی را برای خودشان ندارند [چه رسد برای شما؟] بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند یا تاریکی و نور برابرند؟ یا آنان شریکانی برای خدا قرار دادند [به خیال آنکه] مانند آفرینش خدا چیزی آفریده‌اند، آن گاه آفریده خدا و آفریده شریکان بر آنان مشتبه شده؟ بگو: آفریننده همه چیز فقط خداست و تنها او یکتای پیروز است.

[18]. بقره/217: ... و مشرکان همواره با شما مجنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند.

[19]. بقره/120: یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند تا آنکه از آیینشان پیروی کنی. بگو: مسلماً هدایت خدا فقط هدایت [واقعی] است. و اگر پس از دانش که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس‌های آنان پیروی کنی، از سوی خدا هیچ سرپرست و یاوری برای تو نخواهد بود.

[20]. بروج/8: و با آنان کینه‌توزی نکردند مگر از آن رو که آنان به خداوند پیروزمند ستوده، ایمان داشتند.

[21]. توبه/8 و 10: چگونه [مشرکان بر پیمان خود پای بندند؟] و در صورتی که اگر بر شما چیره شوند، نه [پیوند] خویشاوندی را در حق^۲ شما رعایت می‌کنند، نه پیمانی را!! شما را با زبانشان خشنود می‌کنند، ولی دل‌ها یشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد و بیشترشان فاسقند- در حق^۲ هیچ مؤمنی رعایت [پیوند] خویشاوندی و پیمانی را نمی‌کنند؛ و آنان همان تجاور کارانند.

[22]. الموسوی الحمینی، سید روح‌الله، (1379)، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۵۷.

[23] . همان، ج ۱۲، ص ۲۳۳.

[24] . همان، ج ۱۰، ص ۴۸۹.

[25] . همان، ج ۱۳، ص ۲۱۳-۲۱۲.

[26] . نساء/101: کافران دشمن آشکار شما هستند.

[27] . آل عمران/118: ای کسانی که ایمان آورده اید از غیر خودتان (برای خود) هم رازی نگیرید، آنها در زیان رساندن به شما کوتاهی نخواهند کرد، رنج بردن شما را آنها دوست می دارند، دشمنی از گفتارشان آشکار است و آنچه در سینه های خود (از دشمنی با شما) پنهان می کنند بزرگتر است (از آنچه آشکار می سازند)، ما به خوبی نشانه ها (ی دوست و دشمن) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه و تعقل کنید.

[28] . فاطر/6: مسلمان شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید.

[29] . آل عمران/120: اگر نیکی به شما برسد ناراحت می شوند، و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد خوشحال می گردند، (اما) اگر (در برابر) آنها استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید نقشه های (خائنانه) آنها به شما زیانی نمی رسانند، خداوند به آنچه آنها انجام می دهند محیط است.

[30] . آل عمران/125: آری اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیايد - خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه های مخصوصی دارند مدد خواهد کرد.

[31] . آل عمران/173-174: اینها کسانی بودند که (بعضی از مردم) به آنها گفتند: مردم (لشکر دشمن) برای حمله به شما اجتماع کردند، از آنها بترسید، اما این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و بهترین حامی ما است. به همین جهت، آنها با نعمت و فضل پروردگار بازگشتنند، در حالی که هیچ ناراحتی به آنها نرسید و از رضای خدا پیروی کردند، و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است.

[32] . حج/40-38: مسلمان^۱ خدا از مؤمنان دفاع می کند، قطعاً^۲ خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد. به کسانی که [ستمکارانه]^۳ مورد جنگ و هجوم قرار می گیرند، به سبب آنکه به آنان ستم شده

اذن جنگ داده شده، مسلمان^۱ خدا بر باری دادن آنان تواناست. همانان که به ناحق از خانه‌ها بیشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه مبلغفتند: پروردگار ما خدا است و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمکرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدها بی که در آنها بسیار نام خدا ذکر نمکرد به شدت ویران نمکشند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین]^۲ او را باری مدهند باری مدرسا ند؛ مسلمان^۳ خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

[33]. توبه/123: ای کسانی که ایمان آورده اید با کافرانی که به شما نزدیکترند بیکار کنید و آنها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند، و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

[34]. قلم/9-8: پس از تکذیب کنندگان فرمان مبر- آنها دوست دارند که تو نرمش نشان دهی تا آنها نیز نرمش کنند.

[35]. نساء/75: چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند بیکار نمی کنید؟ همان افرادی که می گویند خدا یا ما را از این شهر که اهلش ستمگراند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده و از برای ما از طرف خود یارویا وری تعیین فرما.

[36]. آل عمران/103: و همگی به رسیمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم السلام]^۴ جنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن]^۵ با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دلیل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه‌های [قدرت، لطف و رحمت]^۶ خود را برای شما روشن نمایسازد تا هدایت شوید.

[37]. نک: الطباطبائی، سید محمدحسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج3، ص369.

[38]. انعام/65: بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیرپای شما بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشد ببین چگونه آیات گوناگون را برای آنها بازگو می کنیم شاید بفهمند (و بازگردند).

[39] . فخررازی، محمد بن عمر، (1420ق)، *التفسیر الكبير (مفاتيح الغيب)*، ج13، ص20-21: (عن ابن عباس رضي الله عنهما: لما نزل جبريل عليه السلام بهذه الآية شق ذلك على الرسول عليه/ الصلاة و السلام و قال: «ما بقاء أمتي إن عموموا بذلك» فقال له جبريل: إنما أنا عبد مثلك فادع ربك لأمتك، فسأل ربه أن لا يفعل بهم ذلك. فقال جبريل: إن الله قد أمنهم من خصلتين أن لا يبعث عليهم عذابا من فوقهم كما بعثه على قوم نوح و لوط، و لا من تحت أرجلهم كما خسف بقارون و لم يجرهم من أن يلبسهم شيئاً بالأهواء المختلفة و يذيق بعضهم بأس بعضه بالسيف). نيز نک: زمخشی، محمود، (1407ق)، *الکشاف عن حقائق غواص تنزيل وعيون الاقاويل في وجوه التاویل*، ج2، ص33؛ الطباطبائی، سید محمدحسین، (1417ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج7، ص135-137.

[40] . انعام/159: مسلماً کسانی که دینشان را بخش بخش کردند، وگروه گروه شدند، تو را هیچ پیوندی با آنان نیست، کار آنان فقط با خداست، سپس به اعمالی که همواره انجام مدادند، آگاهشان مذکونند. نک: الطباطبائی، سید محمدحسین، (1417ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج7، ص389-390؛ فخررازی، محمد بن عمر، (1420ق)، *التفسیر الكبير (مفاتيح الغيب)*، ج14، ص189.

[41] . روم/30-32: پس [با توجه به بدپایه بودن شرك] حقگرا یا نه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پاربند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین درست و استوار؛ ولی بیشتر مردم معرفت و دانش [به این حقیقت اصیل] ندارند. - [پاربند به همان سرشت خدا یی باشد] در حالی که روپارندگان به سوی او هستید و از او پروا کنید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید. - مشرکانی که دینشان را بخش بخش کردند و [سراجام] گروه گروه شدند، در حالی که هر گروهی به آنجه [از بخش از دین] نزد آنان است [به تصور اینکه حق است] شادما نند!

[42] . نساء/48: مسلماً خدا این را که به او شرك ورزیده شود نمیآمرزد، و غير آن را برای هر کس که بخواهد نمیآمرزد.

[43] . نک: الطباطبائی، سید محمدحسین، (1417ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج16، ص182: (و قوله: «ولا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» القول في اختصاصه من بين المحرمات بالذكر نظير القول في الصلاة فالشرك باه أكبر الكبائر الموبقة، وقد قال تعالى: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرِكَ بِهِ

وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»، النساء: 48 إلى غير ذلك من الآيات. قوله تعالى: «مَنْ إِذْ يَرَى فَرَّ قُوَّا دِيَنَهُمْ وَ كَانُوا شَيَّعاً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرَّ هُنَّ مِنْ» للتبين و «مَنْ إِذْ يَرَى فَرَّ قُوَّا دِيَنَهُمْ» إلخ، بيان للمشركين و فيه تعريفهم بأخص صفاتهم في دينهم و هو تفرقهم في دينهم و عودهم شيعة و حزبا حزبا يفرح و يسر كل شيعة و حزب بما عندهم من الدين و السبب في ذلك ما ذكره قبيل هذا بقوله: «بَلْ أَتَبَدَّعَ إِذْ يَرَى طَلَامُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَا لَهُمْ مَنْ ناصِرٍ يَرَى» فبين أنهم بنوا دينهم على أساس الأهواء و أنه لا يهديهم و لا هادي غيره. و من المعلوم أن هوئ النفس لا يتفق في النفوس بل و لا يثبت على حال واحدة دون أن يختلف باختلاف الأحوال و إذا كان هو الأساس للدين لم يلبث دون أن يسير بسير الأهواء و ينزل بنزولها، و لا فرق في ذلك بين الدين الباطل و الدين الحق المبني على أساس الهوى.)